

الگوی تربیت اخلاق اسلامی از منظر امام سجاد علیه السلام بر مبنای تحلیل محتوایی دعای مکارم الاخلاق

اکرم سلیمی*
فتحیه فتاحی زاده**
محمد عترت دوست***

چکیده

از جمله مهم‌ترین متون حدیثی به جای مانده از ائمه اطهار علیهم السلام، ادعیه ایشان است که بیشتر رویکرد آموزشی دارند و رویکرد آن‌ها بر آورده کردن مهم‌ترین نیازهای انسانی است. در این میان، دعای مکارم الاخلاق منقول از امام سجاد علیه السلام می‌تواند اهمیت بسیاری در تدوین نظام اخلاقی و تربیتی جامعه اسلامی داشته باشد. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوایی، به استخراج مضامین و مقوله‌های اخلاقی مندرج در لایه‌های نهفته دعای مکارم الاخلاق پرداخته و الگوی فرایندی تربیت اخلاق اسلامی بر مبنای این دعا کشف و تبیین شود. مهم‌ترین وجه ممیز مقاله حاضر از دیگر شروح متعدد نگاشته شده بر این دعا، این است که این جستار تلاش کرده گام‌ها و مراحل الگوی تربیت اخلاقی را به صورت دقیق و متوالی ذکر کند. بر پایه الگوی یادشده، هدایت به مسیر حق و تمسک به اطاعت الهی، بر رشد و تکامل اخلاقی مقدم شده است. پیمودن گام‌های اصلاح اخلاقی با تأکید بر نیکی به دیگران و نرم‌خویی، در زمره الزامات تربیت اخلاقی انسان است؛ و در مقابل، ظلم و دشمنی، مهم‌ترین مانع تکامل تربیت و اصلاح اخلاقی بشر است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه السلام، دعای مکارم الاخلاق، تربیت اخلاقی، الگوی تربیت اخلاقی، روش تحلیل محتوا.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء علیها السلام (akramsalimi1359@yahoo.com).

** استاد دانشگاه الزهراء علیها السلام (f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir).

*** استادیار دانشگاه شهید رجایی (Dr.EtratDost@gmail.com).

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش ۹۷/۰۸/۰۲)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل موردنیاز جوامع انسانی، کشف و تبیین الگوهای تربیت انسانی با رویکرد «اخلاق محوری» است. این مسأله به‌ویژه در جوامع اسلامی که داعیه‌دار اخلاق محوری در فرایند رشد و تربیت انسان هستند، از اهمیت خاصی برخوردار است. از جمله راهکارهای تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری سیره و روش امامان معصوم علیهم‌السلام به منظور تبیین الگوی تربیتی معرفی شده توسط ایشان و عرضه آن الگوها به جامعه اسلامی، مطالعه و بررسی‌های علمی آثار بر جای مانده از این بزرگواران با روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و جدید است. از جمله کارکردهای استفاده از این روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای، استخراج نظام‌مند و دقیق اطلاعات و ارائه نتایج تحقیق به صورت الگوهای چندوجهی در قالب‌های مختلف به منظور توسعه مبانی دانش‌های علوم انسانی است. دعای مکارم الاخلاق، دعای بیستم صحیفه سجادیه است که حاوی مطالب ارزشمند اخلاقی و تربیتی است و در طول تاریخ بسیار مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته است؛ اما تحقیق و بررسی‌های صورت گرفته، بیشتر به شرح و تفسیر این دعا پرداخته‌اند و تاکنون پژوهشی به طور جامع، الگوی تربیت اخلاقی معرفی شده در این دعا را به صورت نظام‌مند، دقیق، علمی و کارآمد در ابعاد و زمینه‌های مختلف، استخراج و ترسیم نکرده است. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش تحلیل محتوا، به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت استخراج و کشف مضامین اصلی متون و ارائه الگوی نظام‌مند آن‌ها، به تحلیل و بررسی این دعای شریف از زبان امام سجاد علیه‌السلام پرداخته و فراتر از تبیین نکات اخلاقی آن، الگوی تربیتی معرفی شده در این دعا برای ترسیم راه و مسیر عبودیت و بندگی به علاقه‌مندان سیره اهل بیت علیهم‌السلام و جامعه اسلامی عرضه شود. ذکر این نکته لازم است که چون رسالت این پژوهش، صرفاً استخراج الگوی تربیت اخلاق محوری از متن دعای مذکور است، از تحلیل سندی و متنی دعا صرف نظر شده و این امر به پژوهش‌های دیگر واگذار شده است.

ضرورت توجه بیشتر به دعای مکارم الاخلاق

صحیفه سجّادیه، یکی از نمادهای عرفانی و زاینده اندیشه‌های معرفت‌شناسی امام سجّاد علیه السلام است. صحیفه سجّادیه در وضع کنونی خود شامل ۵۴ دعا از ادعیه امام سجّاد علیه السلام است. این اثر از جمله گنجینه‌های میراث اسلامی و از منابع کتاب‌های بلاغت، تربیت، اخلاق و ادب در جهان اسلام است و با توجه به اهمیت فراوان این کتاب، اندیشمندان بزرگ و بزرگان و رجال علم و معرفت، آن را «اخت القرآن» و «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله» نامیده‌اند (آقابزرگ طهرانی، بی تا: ۱۸/۱۵).

امام زین‌العابدین در دورانی زندگی می‌کرد که مردم، تسلیم شهوت‌های خود شده بودند و راه و رسم حکام مسلط را پیشه کرده بودند و از مفاهیم مکتب و اخلاق و آداب اسلامی فاصله گرفته بودند. او این امکان را نداشت که بالای منبر برود و در برابر اجتماع مردم به ارشاد و راهنمایی آن‌ها و بیان مصلحت ایشان در پیشه کردن اخلاق و آداب و احکام اسلام بپردازد و آنان را از ظلم و جور ستمگرانی که با رفتار زشت و طغیان خویش، چهره اسلام را خدشه‌دار کردند و تمامی ارزش‌ها و مقدسات اسلام را زیر پا گذاشتند و به آزادی‌ها و حرمت‌ها تجاوز کردند، برهاند؛ لذا به تبلیغ اسلام پرداخت و مردم را به بازگشت به دین و قرآن و اخلاق اصیل خود فراخواند و سیره پیامبرشان را مطرح کرد تا الگوی خود قرار دهند و حکام را نیز به احقاق حق و اقامه عدل و انصاف محرومان و ستم‌دیدگان فراخواند.

امام زین‌العابدین علیه السلام همواره تلاش می‌کرد که مردم را به‌رغم تفاوت‌های طبقاتی و مقام و موقعیتی که داشتند، به مسئولیت‌های خود آشنا سازد و وظایفی را که در برابر خدا و مردم دارند، البته به شیوه‌ای جز آن شیوه‌هایی که وعظ و مرشدان و قصه‌پردازان پی می‌گرفتند، آشنا کند. شیوه او گفت‌وگو و راز و نیاز با خدا و مناجات با او و جلب مهر و محبت و نیز ستایش خداوند بود در قالب شصت دعایی که به صحیفه سجّادیه شهرت یافته است و فرزندش امام باقر علیه السلام و زید بن علی و افراد مطمئنی از یاران ائمه آن‌ها را روایت کرده‌اند و از آن پس شیعیان آن حضرت از آن‌ها استفاده کرده‌اند و همچنان نزد بزرگان شیعه، در شمار مقدسات به شمار می‌رود؛ و شب و روز یا در نیمروز و نیمه‌های شب و به هنگام نیاز و هر

فرستی، همان دعاها را بر زبان می‌آورند (معروف حسنی، ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲).

دعای مکارم الاخلاق یکی از دعا‌های معروف امام سجاده علیه السلام است که به عنوان دعای بیستم صحیفه سجّادیه ثبت شده. این دعا به دلیل دارا بودن مضامین و ابعاد تربیتی و سیروسلوکی، بسیار مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته و شرح و تفسیرهای متعددی بر آن نوشته و منتشر شده است. این دعا از ۲۰ بند تشکیل شده که هر قسمت با درود بر محمد و آل محمد شروع می‌شود. امام سجاده علیه السلام در ضمن هر بند، با درخواست آراستگی به برخی از اخلاق پسندیده یا طلب دوری از بعضی رذایل اخلاقی، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی را معرفی کرده است.

در ادامه از آن‌جا که این متن حدیثی با روش تحلیل محتوا مورد بازبینی و مطالعه و پژوهش قرار گرفته، شایسته است ابتدا این روش تحقیق میان‌رشته‌ای اجمالاً توضیح داده شود و سپس کارکردهای آن در تجزیه و تحلیل مضامین نهفته در دعای مکارم الاخلاق تبیین شود.

روش تحقیق

در پی توجه به دانش نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی در بررسی‌های زبان‌شناختی و متن‌پژوهی در دهه ۱۹۶۰م، روش «تحلیل محتوا»^۱ به عنوان بهترین روش ترکیبی کمی و کیفی، پای به عرصه تحقیقات علمی اندیشمندان گذاشت. در این روش، «کمیت» و به طور کلی «رویکرد کمی»^۲ به متن، کلید اصلی حل معمای فهم متن به شمار می‌رود که زمینه‌ساز ورود به عرصه تحلیل‌های کیفی بوده، بستر مناسبی برای متن‌پژوهی ترکیبی فراهم می‌آورد. لورنس باردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» به این اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات،

1. Content Analysis.

2. Quantitative Perspective.

پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹). کریپندورف نیز در کتاب خود با عنوان «مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا»، چهارچوبی را برای استفاده از این روش معرفی می‌کند که دارای سه کارکرد تجویزی، تحلیلی و روش‌شناختی است (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۳۱).

برای فهم بهتر این روش باید گفت که بررسی‌های متعارف اجتماعی معمولاً بر پرسش‌نامه مبتنی‌اند؛ یعنی آنچه توسط پژوهشگر تحلیل می‌شود، پاسخ‌هایی است که به پرسش‌نامه‌ها داده شده است؛ اما در روش تحلیل محتوا برعکس عمل می‌شود و به همین دلیل این فن را فن «پرسش‌نامه معکوس»^۱ نیز می‌نامند. پرسش‌نامه نامعلوم است و هدف تلویحاً یافتن این پرسش‌نامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده و یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسش‌نامه هستند (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

روش «تحلیل محتوا» از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای است که می‌تواند به عنوان ابزاری جدید، به تحلیل نصوص دینی اعم از قرآن کریم یا احادیث پردازد و مدالیل آن‌ها را شناسایی کند؛ اما به منظور استفاده از این روش، ابتدا می‌بایست ادبیات نظری آن، متناسب با موضوع نصوص دینی، تعریف و در نهایت فنون مختلف آن، بومی‌سازی شود. بدیهی است که مسأله کاربست روش تحقیق و فرایند بومی‌سازی و اجرای آن در خصوص موضوع پژوهش، از اهمیت والایی برخوردار است و اگر پژوهشگری بتواند به‌خوبی روش مد نظر را اجرا و عملیاتی کند، بی‌شک به فهم عمیقی دست یافته، زمینه‌ساز تحولی بزرگ در حوزه مطالعات اسلامی خواهد شد که در ادامه تلاش می‌شود فرایند بومی‌سازی و کاربست آن تبیین شود.

در مورد تکنیک انتخاب‌شده برای تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق، باید گفت که

1. Inverse Questionnaire.

پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف معرفی شده است (هولستی، ۱۳۷۳: ۴۷-۹۳؛ جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۵۷)، برای این گونه پژوهش‌ها، اولاً رویکرد استقرایی پیشنهاد می‌شود و ثانیاً بر تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» به صورت «کدگذاری باز» با تأکید اولیه بر «واژگان» و تأکید ثانویه بر «قالب بیانی» هر مضمون پیشنهاد می‌شود. تأکید بر کلیدواژگان، نقاط تمرکز^۱، جهت‌گیری^۲، مضامین^۳، مقوله‌ها^۴، قالب‌های بیانی و یادداشت‌های نظری^۵، بخش مهمی از فرایند پیشنهادی برای تحلیل محتوای مضمونی برای فهم احادیث است که توضیحات آن در ادامه خواهد آمد.

تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق

تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی‌شده به صورت سیستماتیک است که به دنبال مشخص کردن الگوهایی است که در نهایت، از مضامین و مفاهیم ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر، تحلیل‌های کیفی، به‌مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده انتخاب می‌شوند که در نهایت، به نظریه‌پردازی منجر می‌شوند.

با بهره‌گیری از تکنیک یادشده، دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجّادیه با ترجمه آقای آبتی در جدول ذیل پیاده‌سازی شده است که به علت محدودیت حجم مقاله، فقط به ذکر جدول بخش اول دعا اکتفا شده است.

1. Attention.
2. Direction.
3. Theme.
4. Category.
5. Transcripts.

جدول تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق

کد	نقطه تمرکز (موضوع فرعی)	مضمون (موضوع اصلی)	کلیدواژگان	متن دعا
A1	تبیین جایگاه پیامبر و اهل بیت	مراحل کمال انسان	صلوات	«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ بَلِّغْ بِيَمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَ أَنْتَهُ بَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّبَاتِ، وَ بَعْمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْبِي، وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَ اسْتَضْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي» بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ایمان مرا به کامل ترین درجات ایمان و یقین مرا به برترین مراتب یقین و نیت مرا به نیکوترین نیت ها و عمل مرا به بهترین اعمال فرا بر؛ ای خداوند، به لطف خود نیت مرا از هر شائبه مصون دار و به رحمت خود یقین مرا استوار گردان، و به قدرت خود فساد مرا به صلاح بدل نمای!
A2	تأثیر صلوات برای استجاب دعا		پیامبر	
A3	تأکید بر ذومراتب بودن ایمان افراد		اهل بیت	
A4	توصیه به تلاش برای تکمیل مراحل ایمان خود		ایمان (۲)	
A5	طلب مراحل کمال ایمان از خداوند		یقین (۳)	
A6	تأکید بر ذومراتب بودن یقین افراد		نیت (۳)	
A7	توصیه به تلاش برای تکمیل مراحل یقین خود		عمل (۲)	
A8	طلب مراحل افضل یقین از خداوند		لطف الهی	
A9	تأکید بر ذومراتب بودن نیت افراد		رحمت الهی	
A10	توصیه به تلاش برای تکمیل مراحل نیت خود		قدرت الهی	
A11	طلب مراحل احسن نیت از خداوند			
A12	تأکید بر ذومراتب بودن اعمال افراد			
A13	توصیه به تلاش برای تکمیل مراحل عمل خود			
A14	طلب مراحل احسن عمل از خداوند			
A15	لطف خداوند، راهکار تکمیل مراحل نیت			
A16	رحمت خداوند، راهکار تکمیل مراحل یقین			
A17	قدرت خداوند، راهکار تکمیل مراحل عمل			

بخش اول دعای مکارم الاخلاق به بیان مراحل کمال انسان پرداخته است و تلاش دارد این مراحل را در چهار مرحله تکمیل ایمان، یقین، نیت و عمل بیان کند و راهکار تکمیل آن‌ها را نیز بیان کند. از آن‌جا که در ادامه این دعا به تفصیل در خصوص مراحل تربیت اخلاقی و راهکارهای آن، سخن گفته شده و این الگو به دقت تکمیل شده است، در این مقاله تلاش شده تا این مراحل به صورت یک الگوی جامع به تصویر کشیده شود.

پیش از سخن گفتن از الگوی جامع تربیتی اخلاق محور عرضه شده در دعای مکارم الاخلاق، ابتدا لازم است به سنجش فراوانی کلیدواژگان، مضامین (موضوعات اصلی) و نقطه تمرکزهای متن (موضوعات فرعی) پرداخت و از رهاورد آن، راه ورود به تحلیل‌های کیفی را کشف و هموار کرد. از آن‌جا که واژگان کلیدی، در بردارنده پیام اصلی جملات یک متن هستند، در مرحله اول، اولویت با سنجش فراوانی آن‌ها است. در بررسی کلیدواژگان از آن‌جا که با گستره وسیعی از کلمات مواجه هستیم، ابتدا لازم است آن‌ها را یکسان‌سازی و طبقه‌بندی کنیم. در پی دسته‌بندی این واژگان، گروه‌های ذیل احصا شدند:

- واژگان مرتبط با فضایل اخلاقی؛

- واژگان مرتبط با رذایل اخلاقی؛

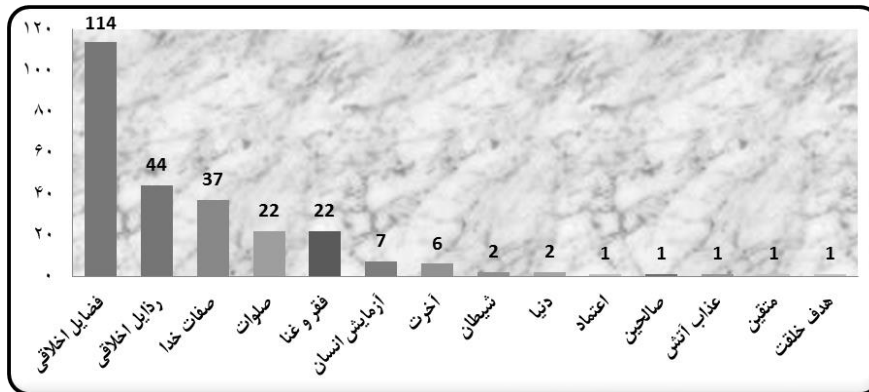
- واژگان مرتبط با صفات خداوند؛

- واژگان مرتبط با فقر و غنا؛

- واژگانی دارای معنای مستقل؛ مانند صلوات، آخرت، شیطان، و دنیا.

پس از یکسان‌سازی واژگان و جای دادن کلمات هم‌معنا در یک گروه، به سنجش

فراوانی آن‌ها پرداخته شد که نتایج آن در نمودار زیر قابل مشاهده است:



نمودار فراوانی کلیدواژگان دعای مکارم الاخلاق

همان گونه که واژگان مرتبط با فضایل و رذایل اخلاقی، بالاترین فراوانی را در دعای مکارم الاخلاق دارند، بالتبع مضامین و نقاط تمرکز مرتبط با موضوع اخلاق نیز بالاترین فراوانی را در این متن دعایی به خود اختصاص داده و به همین دلیل به درستی نام «مکارم الاخلاق» بر این دعا نهاده شده است. اما سؤال مهم این است که چه نوع گزاره‌های اخلاقی و با چه هدف و رویکردی در این دعا به کار رفته و در نهایت آموزه‌های اخلاقی بیان شده در این دعا، چه کارکردی داشته است و چه الگویی ترسیم می‌کنند؟

به منظور پاسخ‌گویی به این سؤالات، در ادامه مقاله تلاش شده الگوی تربیت اخلاقی ترسیم شده در این متن دعایی، به دقت ترسیم و در نهایت، الگوی تربیتی جامع مستخرج از دعای مکارم الاخلاق، تبیین شود.

الگوی تربیتی اخلاق محور در دعای مکارم الاخلاق

مسائل اخلاقی، از جهت رابطه با فرد و جامعه به دو بخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تقسیم می‌شوند. «اخلاق فردی»، ملکات و صفاتی است که در رابطه انسان با خود و خدا مطرح می‌شود؛ مثل توجه به خدا، صبر، رضا، توکل، شکر، خوف، رجا، قناعت،

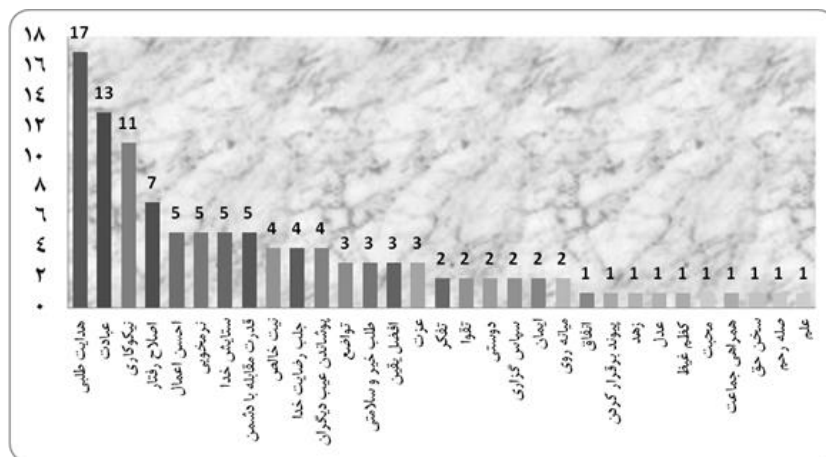
خضوع، خشوع، بندگی و عبودیت، و اخلاص که اخلاق حسنه فردی هستند. در این میان، از بی‌تابی، غفلت، ناسپاسی، یأس از رحمت خدا، غرور و عجب نیز به عنوان اخلاق رذیله و رذایل اخلاقی فردی نام برده شده است. این اوصاف، ملکات و صفاتی هستند که با آن‌ها چهره باطنی فرد، قطع نظر از جامعه مشخص می‌شود؛ یعنی حتی اگر فرد فرضاً در محیطی تنها و خارج از جامعه زندگی کند، باز تحقق می‌پذیرند. معیار قرار گرفتن برخی صفات در گروه فضایل اخلاقی، آداب و دستورهایی خاص است که در مسیر تزکیه و تهذیب، التزام به آن‌ها ضرورت دارد و از طریق عمل، فرد را به اهداف نزدیک می‌کند. البته منظور از عمل در این جا اعم از اعمال جوانحی (نیت، حب، بغض، سوءظن، حسد و ...) و اعمال جوارحی (سخاوت، عبادات، دفاع) است.

همان‌گونه که گفته شد، مسائل اخلاقی، از جهت رابطه با فرد و جامعه به دو بخش تقسیم می‌شود: اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی. «اخلاق اجتماعی»، صفات و ملکاتی است که در رابطه بشر و جامعه مطرح می‌شود؛ به طوری که اگر فرضاً جامعه و اجتماعی در کار نباشد، آن صفات مفهومی نداشته، تحقق نمی‌پذیرند؛ مانند سخاوت، وفای به عهد، تواضع و فروتنی، عدالت، حلم و بردباری، انصاف، صداقت و راستی، امانت‌داری، ایثار و گذشت، عاطفه و محبت، عفو و اغماض، عفت و خیرخواهی به عنوان صفات پسندیده اجتماعی؛ و صفاتی مانند حسادت، بخل، تکبر، ظلم، فتنه‌جویی، کینه و بغض، خیانت، غضب، خدعه و مکر، قساوت، بی‌مهری، ترس و خوف به عنوان صفات ناپسند اجتماعی.

برخی از فضایل اخلاقی طرح شده در دعای مکارم الاخلاق، به رفتارهای اجتماعی مربوط است؛ چراکه دعای مکارم الاخلاق سرشار از نکات اخلاقی و تربیتی است که افراد برای بهبود روابط اجتماعی می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند. سفارش‌ها برای داشتن اخلاق عالی در برخورد با دیگران، از قبیل نرم‌خویی، داشتن متانت، عیب‌پوشی، کظم غیظ، فروتنی، بخش‌نیکی دیگران، حق‌گویی، آشتی برقرار کردن بین مردم، ایثار، تفضل و صلة رحم از جمله این موارد است.

نمودار استخراج شده از فراوانی واژگان کلیدی، نشان می‌دهد که گروه‌های فضایل و

رذایل اخلاقی، به ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند و از آنجا که تکرار هر چه بیشتر واژه و موضوعی، از اهمیت ویژه آن نشأت می‌گیرد، می‌توان نتیجه گرفت که اصلی‌ترین نقطه تمرکز در این دعا، طرح مباحث اخلاقی است. مجموعه واژگانی که در این پژوهش ذیل دسته فضایل اخلاقی طبقه‌بندی شده‌اند، به همراه فراوانی آن‌ها در نمودار ذیل مشخص شده است:



نمودار فراوانی واژگان فضایل اخلاقی

این نمودار نشان‌دهنده این است که امام سجاد علیه السلام در این دعا، به فضایل اخلاقی مهم و متنوعی از جمله صلۀ رحم، تفکر، تواضع، نرم‌خویی، نیکوکاری، همراهی با جماعت، هدایت‌طلبی و غیره پرداخته و تلاش کرده‌اند تا این فضایل را به گونه‌ای دقیق و کامل توضیح داده، نقش هر کدام را در تکمیل مراحل کمال‌انسان بیان کنند. مجموع این فضایل را می‌توان بدین صورت بیان کرد:

ورود و هدایت به مسیر حق، مقدم بر تربیت اخلاقی

همان‌طور که از نمودار فضایل اخلاقی پیداست، واژه هدایت‌طلبی دارای بیشترین فراوانی است؛ بنابراین از نظر امام علیه السلام، ورود به مسیر حق و قرار گرفتن در مسیر هدایت، اولین گام در جهت الهی شدن انسان معرفی شده است. برای نمونه امام در بخشی از دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَنِّعِنِي بِهُدَى صَالِحٍ لَا أُسْتَبَدَّلُ بِهِ، وَ طَرِيقَةَ حَقِّ لَا أُزِيغُ عَنْهَا، وَ نِيَّةَ رُشْدٍ لَا أُشْكُ فِيهَا؛ بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از هدایتی شایسته و بر وفق صلاح، بهره‌مند فرما، هدایتی که آن‌قدر مفید و سعادت‌بخش باشد که من آن را با هیچ چیز عوض نکنم و بدلی به جای آن انتخاب نکنم!» (فلسفی، ۱۳۷۰: ۹۵).

در این بند دعای شریف، افزون بر هدایت، استقامت در هدایت و عدم گمراهی بعد از هدایت نیز از خدای سبحان درخواست شده است؛ چنان‌که در آیه شریفه ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا﴾ (آل‌عمران/۸) از خدا می‌خواهیم پس از نشان دادن راه هدایت، ما را از انحراف بازدارد، به همین منوال در این بند نیز استقامت در مسیر هدایت و پایداری در طریق صالح، از خدا درخواست شده است.

توجه به این نکته ضروری است که استقامت و پایداری در طریق حق، مقامی بالاتر و البته دشوارتر است و پاداش آن نیز به فراخور مرتبه، عظیم‌تر و رفیع‌تر خواهد بود؛ چراکه قرآن کریم کسانی را که راه حق و صراط مستقیم را یافته و در آن راه، صبر و استقامت ورزیده‌اند، این‌گونه توصیف می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۱۳). اکنون این پرسش مطرح است که هدایت مورد درخواست امام سجاد علیه السلام چگونه حاصل می‌شود؟

علامه طباطبایی رحمته الله ضمن تعریف هدایت، راه رسیدن به آن را چنین بیان کرده‌اند: «هدایت عبارت است از دلالت و نشان دادن هدف، با نشان دادن راه؛ و این خود يك نحو رساندن به هدف است، و کار خداست؛ چیزی که هست، خدای تعالی سنتش بر این جریان یافته که امور را از مجرای اسباب به جریان اندازد، و در مسأله هدایت هم وسیله‌ای فراهم می‌کند تا مطلوب و هدف برای هر که او بخواهد روشن گشته، بنده‌اش در مسیر زندگی به هدف نهایی خود برسد و این معنا را خدای سبحان بیان کرده، فرموده: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ، يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾ (انعام/۱۲۵) «خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه او را برای اسلام پذیرا کرده، و ظرفیت می‌دهد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴/۱).

مکارم شیرازی نیز هدایت را داری انواع ذیل دانسته است:

الف) هدایت تکوینی: بدین معنی که خداوند متعال يك سلسله عوامل پیشرفت و تکامل در موجودات مختلف جهان، اعم از انسان و سایر جانداران آفریده است که آن‌ها را به سوی تکامل می‌برد. این نوع هدایت، مخصوص خداوند است و وسیله آن، عوامل و اسباب طبیعی و ماوراء طبیعی است.

ب) هدایت تشریحی: منظور از این هدایت، راهنمایی افراد از طریق تعلیم و تربیت و قوانین مفید و حکومت عادلانه و پند و اندرز و موعظه است. این نوع هدایت، به وسیله پیامبران و امامان و افراد صالح و مریبان دلسوز انجام می‌شود که در قرآن بارها به آن اشاره شده است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲).

ج) هدایت به معنی فراهم کردن وسیله: این نوع هدایت که گاهی از آن به عنوان «توفیق» یاد می‌شود، عبارت است از در اختیار گذاشتن وسایل لازم تا با میل و اراده خود از آن برای پیشرفت استفاده کنند؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾ (عنکبوت/۶۹).

د) هدایت به سوی نعمت‌ها و پاداش‌ها: منظور از این هدایت، بهره‌مند کردن افراد شایسته از نتیجه اعمال نیکشان در سرای دیگر است. این نوع هدایت مخصوص افراد باایمان و درستکار است؛ چنان که قرآن مجید می‌گوید: ﴿سَيَهْدِيَهُمْ وَ يُصْلِحُ بَالَهُمْ﴾ (محمد/۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۱/۲-۳۵۲).

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق هدایت صالحی را طلب کرده‌اند و در ادامه نیز خواستار عدم تغییر آن بوده‌اند. به نظر می‌رسد فردی که در طریق هدایت، از چهار مرحله اشاره شده گذر کند، به هدایت مطلوب واصل می‌شود. امام علی علیه السلام هدایت خدا را بهترین هدایت معرفی می‌کنند: «هدی الله سبحانه أحسن الهدی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۳۵).

در بند دیگری از دعای مکارم الاخلاق آمده است: «وَلَا أَضِلُّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّنْتِكَ هِدَايَتِي؛ و گمراه نشوم که راهنمایی به من برای تو آسان است». واژه «ضلال» عبارت است از انحراف از صراط مستقیم؛ و ضد آن، هدایت است. راه صحیح یکی است و راه باطل متعدد: توحید و یکتاپرستی یک راه است؛ اما شرک راه‌های متعدد و مجاری گوناگون دارد. امام سجاد علیه السلام در

این قطعه از دعای شریف می‌فرمایند: بارها! به گمراهی و ضلالت، گرایش نیابم با آن‌که هدایت من بر تو ممکن است. آری هر کس در هر روشی که قدم می‌زند و در هر کاری که وارد است، اگر مشمول هدایت باری تعالی بشود و خداوند لطف خود را شامل حال او فرماید، از خطر انحراف مصون می‌ماند و سرانجام در هر کاری به سعادت شایسته آن کار نایل می‌شود (فلسفی، ۱۳۷۰: ۴۱۰/۲).

در بندهای دیگری از دعا نیز توفیق راهنمایی و ارشاد دیگران، از خداوند متعال طلب شده است:

«اللَّهُمَّ وَ أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى»؛ بار خدایا مرا به هدایت و راهنمایی (به دین حق) گویا فرما!.

«وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ وَ مِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ»؛ مرا از درستکاران و راهنمایان به خیر و نیکی و از بندگان شایسته بگردان!

«وَ امْتَحِنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ»؛ و نیکی راهنمایی کردن را به من عطا فرما!.

با کنار هم قرار دادن بندهایی از دعا که حاوی واژه‌هایی در معنای هدایت، ارشاد و راهنمایی به راه راست و مسیر حق هستند، درمی‌یابیم که امام سجاد علیه السلام قبل از گام نهادن در مسیر تربیت اخلاقی، از خداوند متعال، توفیق هدایت شدن به راه راست و ماندن و استقامت در این مسیر را طلب کرده و توفیق هدایت دیگران را نیز خواسته‌اند.

تمسک به عبادت و اطاعت، مقدم بر تربیت اخلاقی

واژه و مضمون پرتکرار دیگر در میان فضایل اخلاقی، عبادت و اطاعت است و بررسی مضامین استخراج‌شده در این بخش نیز نشان می‌دهد که از منظر امام سجاد علیه السلام، مقدم بر تربیت اخلاقی، تمسک به عبادت و اطاعت الهی است و اساساً عبادت خداوند متعال بر تربیت انسان اولویت دارد و در تکامل انسان الهی مؤثر است.

در منابع حدیثی و لغوی نیز مفهوم «عُبُودِيَّة» به معنی اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری از حق به کار رفته است؛ زیرا عبادت، نهایت فروتنی و طاعت و فرمان‌پذیری و تربیت شدن است. طاعت نیز از ریشه «طوع»، به معنای رغبت و میل است که از مهم‌ترین ملزومات مسیر تربیت است. در نتیجه، عبادت خدای متعال، مهم‌ترین راهکار برای تربیت

شدن و پذیرش تربیت الهی است.

علامه طباطبایی مالکیت حقیقی پروردگار را منشأ و جوب انقیاد و اطاعت از خداوند می‌داند و نتیجه پذیرش آن در تربیت شدن نهاد انسان را چنین تعریف می‌کنند: «سلطنت حقیقی و مالکیت واقعی پروردگار، منشأ و جوب انقیاد موجودات در برابر اراده او است. همین سلطنت حقیقی و مالکیت واقعی پروردگار، منشأ و جوب انقیاد موجودات و مخصوصاً آدمیان در برابر اراده تشریحی او و دستوراتی است که خداوند بر ایشان مقرر فرموده است؛ چه دستوراتی که درباره کیفیت عبادت و سنتش داده و چه قوانینی که باعث صلاح امر آنان و مایه سعادت دنیا و آخرتشان می‌باشد، جعل فرموده. صاحبان عقل از انس و جن و ملک، همه مُلکِ خدایند و خدا هم مالکِ تکوینی و به وجودآورنده ایشان است و به همین جهت، همه بندگان او ذلیل و زبون حکم و قضای اویند؛ چه او را بشناسند، چه نشناسند؛ و چه تکالیفش را اطاعت کنند و چه اطاعت نکنند؛ و هم مالک تشریحی ایشان است، مالکیتی که به او حق می‌دهد همه را به اطاعت خود درآورد و همه را محکوم به تقوا و عبادت خود کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۰/۶).

امام سجاد علیه السلام در این دعا از خداوند می‌خواهند که ایشان را عبد خود قرار دهد و عبادتش را با عجب فاسد نگرداند: «وَ عَبْدُنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ». از این گفتار امام علیه السلام حاصل می‌شود که عجب، فاسدکننده و از بین برنده عبادات است؛ چنان‌که بندهای دیگر دعا نیز به این مطلب اشاره دارند: «وَ عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِدُلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ»، «وَ لَا تَبْتَلِينِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ»، «وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَ مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ»، «فَلَا أَشْتَغَلُ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ»، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ»، «وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ».

فرد مؤمن پیش از آن‌که خود را به اخلاق نیک مزین کند و تربیت شود، باید در مسیر عبادت و اطاعت الهی گام بردارد. این دعا به انسان آموزش می‌دهد از خداوند توفیق هدایت شدن به راه راست را طلب کند و در مسیر عبادت او استقامت بورزد تا در نهایت هدایت شود. انسان هدایت شده بعد از توفیق هدایت شدن به راه راست، با کمک هدایت الهی و

الگوگیری از معصومان علیهم‌السلام و صالحان و متقین، باید تلاش کند در مسیر عبودیت استقامت داشته باشد و دچار انحراف نشود. فرد هدایت‌شده خود هادی و راهنمای افراد دیگر است و سعی می‌کند دیگران نیز به راه راست و حق، هدایت شوند.

مهربانی و نیکی به دیگران، مهم‌ترین گام در اصلاح اخلاق احاد جامعه اسلامی

از موارد دیگری که در دعای مکارم الاخلاق به عنوان ملزومات و بایدهای مراحل نیل به تکامل اخلاقی برای همه انسان‌ها معرفی شده که در حقیقت همان پذیرش الگوی تربیتی اخلاق محور دین اسلام است، نیکی به دیگران، مهربانی، احسان و فضل است، به‌ویژه نیکی کردن در حق کسی که از انسان دوری گزیده است. در دعای مکارم الاخلاق، نیکی در حق دیگران، عالی‌ترین درجه کرامت نفس دانسته شده که با عبارت «وَإِيْتَارِ التَّقْضِيلِ» بیان شده است. همچنین امام سجاده علیه‌السلام در این دعا از خداوند توفیق پیشتازی و سبقت در فضیلت و نیکوکاری را برای خود و همگان خواستار شده و فرموده‌اند «وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ» که نشان‌دهنده اهمیت این مسأله و جایگاه والای آن در مراحل تکامل اخلاق اسلامی است.

در دعای مکارم الاخلاق، تعبیر زیبایی در این باره به چشم می‌خورد: «وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ». در این بند، از خداوند طلب شده که خیر رساندن برای مردم بر دستان انسان جاری شود. «خیر» شامل جمیع اعمال صالح از قبیل مکارم اعمال و محاسن افعال مانند احسان و اعطا و افضال به مردم و یا کمک فکری و یا عاطفی به دیگران است. در ضمن، لفظ «ناس» در این جا بدین معنا است که خیررسانی به همه، از هر صنف و گروه و مذهبی که باشند، می‌تواند صورت گیرد. خیررسانی باید به صورت متصل و دائم باشد و جاری شدن خیر بر دستان انسان نیز بدین معنا است که انسان واسطه در رساندن خیر به دیگری باشد. در حقیقت، مؤمن در این جا چشمه‌ای فرض شده که منشأ فیوض و خیرات برای مردم و جامعه اسلامی است. لذا از آن جا که کثرت تأکید امام سجاده علیه‌السلام بر این موضوع زیاد است و دائماً با الفاظ عام و کلی نیز بیان شده است، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که مسأله نیکی به دیگران، ابتدا موجب رشد اخلاقی فرد می‌شود و در مرحله بعد، مهم‌ترین گام در اصلاح اخلاق جامعه اسلامی است که لازم است همه افراد جامعه اسلامی، به این خصیصه

اخلاقی مزین باشند تا محبوب دلها قرار گیرند و در نهایت، جامعه اسلامی به سلامت و سعادت و کمال اخلاقی دست پیدا کند.

همچنین امام سجّاد علیه السلام در بند دیگری از دعا، توفیق نیکی کردن به کسی را از خداوند متعال طلب می‌کند که مستحق احسان نیست؛ کاری که به نظر می‌رسد بالاترین و والاترین مرحله تکامل اخلاقی است: «وَ الْإِفْضَالِ عَلَيَّ غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ». خوبی و احسان به کسی که کاری نکرده که در خور نیکی باشد، اوج کرامت اخلاقی فرد است.

همچنین یکی دیگر از تأکیدها و خواسته‌های امام سجّاد علیه السلام، نرم‌خویی است: «الْبَيِّنِ الْعَرِيكَةِ» که نشان می‌دهد نرم‌گویی، نرم‌خویی و داشتن طبع نرم و ملایم در برخورد با دیگران، از مهم‌ترین راهکارهای اصلاح اخلاقی است و امروزه نیز یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی رفتار انسانی دانسته شده است. واژه «عریکه» در لغت به معنای طبیعت است، و «لین» نیز به معنای نرمی و ملایمت است. نرم‌گویی و نرم‌خویی در روابط انسانی و رفتارهای بشری، به قدری جنبه استراتژیک دارد که خداوند تبارک و تعالی، مربی اول بشر، در دستور خود به حضرت موسی و هارون علیهم السلام می‌فرماید: «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»؛ «به سمت فرعون بروید؛ زیرا او طغیان کرده است؛ و به او با زبان و گفتار نرم صحبت کنید، شاید متذکر شده، از عذاب الهی بترسد» (طه/۴۳-۴۴).

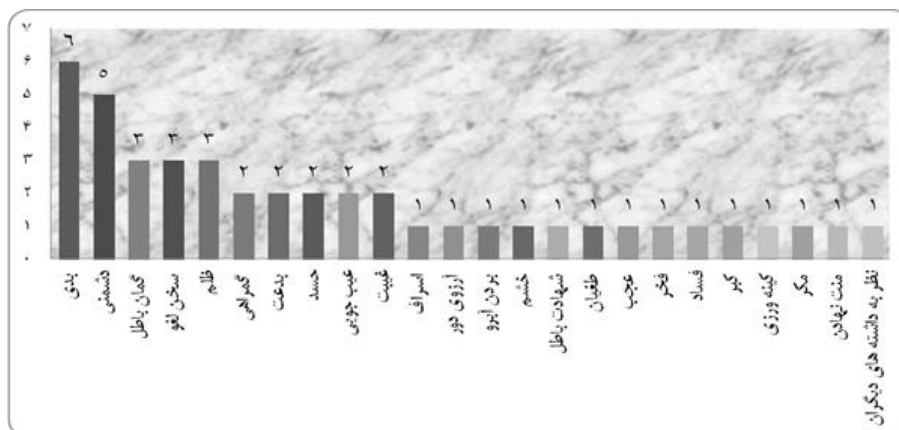
پیوند برقرار کردن

همچنین از اخلاقیات خوب اجتماعی، پیش‌قدم شدن در اصلاح و آشتی میان افراد است که آن نیز نوعی از نرم‌خویی و مهربانی با دیگران است؛ چراکه به هم پیوستن دل‌های پراکنده و بسامان کردن کار بندگان، کاری خدایپسندانه است. امام سجّاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند توفیق مزین شدن به این فریضه اخلاقی را درخواست می‌کنند: «وَصَمِّمِ أَهْلِي الْفُرْقَةَ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ».

بدرفتاری و ظلم و دشمنی، مهم‌ترین مانع تکامل اخلاقی انسان

اخلاق مذموم و ناپسند همچون حجابی است که انسان را از معارف الهی و فیض‌های

قدسی، به‌ویژه تربیت الهی محروم می‌کند؛ زیرا رذایل اخلاقی به منزله پوششی برای نفوس هستند که اگر برطرف نشوند، حال روحانی و معنوی برای انسان رخ نمی‌دهد (نراقی، ۱۳۶۶: ۴۵). در مباحث اخلاقی، ضمن بحث از فضایل اخلاقی، از رذایل و صفات نادرست نیز صحبت می‌شود؛ چراکه برای رسیدن به اخلاق کامل، لازم است صفات و بیماری‌های خطرناک نیز درمان شوند؛ لذا می‌بینیم که در دعای مکارم الاخلاق، ضمن بحث از فضایل اخلاقی، به رذایل اخلاقی نیز پرداخته شده است و امام سجاده علیه السلام تلاش کرده‌اند این آفات فردی و اجتماعی نیز از جامعه اسلامی دور شود. انسان تربیت‌شده و معرفی‌شده از جانب امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، خود را از خصایص رفتاری ناپسند پاک کرده است و روح و جسم خود را به رذایل اخلاقی آلوده نمی‌کند. صفات ناپسندی که در این دعا بدان پرداخته شده، عبارتند از:



نمودار فراوانی رذایل اخلاقی در دعای مکارم الاخلاق

این نمودار نشان می‌دهد رذایلی از قبیل بدی، دشمنی و گمان باطل، دارای بیشترین فراوانی در دعای مورد بررسی هستند و می‌توان پی برد که از مهم‌ترین تأکیدهای دعای مکارم الاخلاق برای هدایت انسان‌ها، پرهیز از رذایل اخلاقی و در سرلوحه آن‌ها دوری از بدی و دشمنی در حق دیگران است. برای مثال، امام سجاده علیه السلام با بیان عباراتی مانند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّيْتُ بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ،

وَأُثِيبَ مَنْ حَزَمَنِي بِالْبُدْلِ، وَ أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ،..... وَ أَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ» و نیز عبارت «وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ» تلاش دارند در برابر بدی دیگران، از خداوند متعال توفیق رفتار احسن طلب کنند. در معنای سداد (کار درست و بجا) گفته شده است که: «دَفْعُ الْمُتَكْرِرِ بِالْمَعْرُوفِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۵) که در این بند از دعا نیز امام سجاد علیه السلام به انسان‌ها توصیه می‌کند بدی را با خوبی پاسخ گویند و در واقع به انسان‌ها آموزش می‌دهند که در مقابل بدی‌ها، برخوردی بالاتر از مقابله به مثل داشته باشند و بدی را با خوبی پاسخ گویند تا سنت تثبیت خوبی‌ها در روابط بین انسان‌ها حاکم شود. با نهادینه کردن این خصلت در نفس، امید است که فرد در زمرة «عباد الرحمن» قرار گیرد چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان/۶۳).

در دعای مکارم الاخلاق، چهره انسانی ترسیم شده است که نه تنها خود در حق دیگران بدی نمی‌کند، بلکه از بدی دیگران نیز چشم‌پوشی کرده، با رفتاری احسن به این آیه از قرآن عمل می‌کند که: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت/۳۴). قطعاً چنین فردی با بردباری و شکیبایی‌ای که از خود بروز می‌دهد، دارای کرامت اخلاقی است.

نکته تربیتی قابل توجه دیگر در دعای مکارم الاخلاق، تأکید دعا بر پرورش صفات پسندیده است. در بندهای متعدد این دعا، علی‌رغم وجود کلماتی که حاوی معنای دشمنی و بدی است، مفهوم برداشت‌شده از این قطعه، تداعی‌کننده فضایل اخلاقی است؛ چراکه تأکید امام سجاد علیه السلام، تقویت رفتارهای عالی و سجایای اخلاقی در افراد است. برای مثال، امام علیه السلام در بندی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي».

در این بند دعا، از خداوند در مقابل ظلم و ستم، دشمنی و خصومت، مکر و حيله و تکذیب کسانی که در حق انسان دشمنی می‌ورزند، قدرت بدنی و زبانی و به کار بردن مکر و حيله و تدبیر و سلامتی، طلب شده است. سر خم کردن در مقابل دشمن و تن دادن به ظلم، انسان را خوار و ضعیف بار می‌آورد و مهم‌ترین مانع تکامل اخلاقی انسان دانسته شده

است. انسان تربیت شده در دعای مکارم الاخلاق، نه خود به دیگران دشمنی می‌ورزد و نه زیر بار ظلم و دشمنی دیگران قرار می‌گیرد؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَدُلَّ نَفْسَهُ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳۸۸/۵). بنا بر این روایت، شایسته نیست مؤمن خود را خوار کند.

همچنین از دیگر موانع رسیدن به کمال اخلاقی، روا داشتن ظلم و ستم است. در دعای مکارم الاخلاق، در چند بند از خداوند درخواست شده است که انسان در حق کسی ظلمی مرتکب نشود و مورد ظلم هم واقع نشود: «وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي» و نیز عبارت «وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ الْقَبْضِ مِنِّي». ظلم کردن باعث نابودی انسان می‌شود؛ چراکه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَظْلِمُ مَظْلَمَةً إِلَّا أَخَذَهُ اللَّهُ بِهَا فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ فَإِذَا تَابَ غَفَرَ لَهُ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷/۱۶). خواسته امام سجاد علیه السلام نیز برای ظلم نکردن و در امان ماندن از ظلم باید تمنای درونی همه افراد باشد تا بتوانند مراحل کمال را طی کنند.

در ذیل این عبارات، ضلالت و گمراهی ناشی از ظلم و ستم نیز از دیگر موانع تکامل اخلاقی معرفی شده است که باعث دور شدن انسان از راه هدایت و حقیقت است. در دعای مکارم الاخلاق از خداوند متعال نعمت ارشاد و هدایت، قبل از گرفتار شدن در دام ظلم و ستم و گمراهی طلب شده است: «وَ قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ». همچنین در بند دیگری از دعا با تکیه و امید به قدرت الهی، از خداوند متعال گمراه نشدن و در مسیر هدایت قرار گرفتن، طلب شده است: «وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّنْتَكَ هِدَايَتِي».

آفات زبانی، مبتلابه‌ترین موانع تکامل اخلاقی انسان

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق به دفعات و در جایگاه‌های مختلف از آن سخن گفته و انسان‌ها از آن بر حذر داشته‌اند، مسأله پرهیز از آفات زبانی همانند سخنان لغو، کذب و گمان باطل و سوءظن به دیگران است. کثرت بیان این مطالب در دعای مکارم الاخلاق نشان‌دهنده این است که این آفات زبانی و ذهنی، از جمله مبتلابه‌ترین

موانع تکامل اخلاقی انسان است و به همین دلیل، امام سجاده علیه السلام نیز دائماً آن را متذکر شده‌اند. از جمله مهم‌ترین رذایل اخلاقی، جرایم و آفات زبان است؛ زیرا بیش از آن اندازه که نعمت بیان و زبان، مفید و ارزشمند است، جرایم و آفات آن زیان‌بار و ناپسند است و همان‌گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی نیز بالاتر از سخن باطل نیست (مهدوی کنی، ۱۳۷۵: ۱۲۱). شیطان زبان انسان را در اختیار می‌گیرد و او را به فحش و هرزه‌گویی آلوده می‌کند.

امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق، مهم‌ترین راه نجات انسان از آلودگی‌های اخلاقی را پرهیز از انواع آفات زبانی معرفی کرده‌اند و انسان‌ها را به مشغول کردن زبان در راه کسب علم یا عبادت و حمد الهی فرامی‌خوانند: «وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شِمِّ عِزْضِي أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَافًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِعِمَّتِكَ، وَإِعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْصَاءً لِمَنِّكَ».

زبانی که مشغول حمد خدا و غرق در تمجید و ثنای الهی شود، فرصتی برای سخنان لغو و بیهوده پیدا نمی‌کند. انسان در مقابل نعماتی که خدا به وی ارزانی داشته، مسئول است؛ نعمت زبان و قدرت نطق، حقی را به گردن انسان می‌آورد که هرگونه بخواهد، نمی‌تواند آن را به کار برد: «وَ حَقُّ اللِّسَانِ إِكْرَامُهُ عَنِ الْحَنَا وَ تَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَ تَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِي لَا فَائِدَةَ لَهَا وَ الْبِرُّ بِالنَّاسِ وَ حُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛ وَ حَقُّ زَبَانٍ، گرامی داشتن آن از دشنام و عادت دادنش به خیر و ترک یاهوای است که فایده‌ای در آن نیست و نیکی کردن درباره مردم و خوبی گفتار درباره ایشان است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۱۹/۲).

واژگان «فحش»، «هجر» و «سب» که در دعا ذکر شده‌اند، در نمودار رذایل اخلاقی تحت عنوان سخن لغو قرار گرفته‌اند. واژه «هجر» به کلام قبیحی گفته می‌شود که مردم به دلیل قبحش آن را متروک کرده‌اند: «الهِجْرُ أَيُّ الْكَلَامِ الْقَبِيحِ الْمَهْجُورِ لِقَبْحِهِ» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۲۰۸/۱۷). «سب» نیز به معنای دشنام و ناسزاست: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْحَصْرُ وَ الْحَدُّ بِالنِّسْبَةِ إِلَى سَعَةِ شَيْءٍ وَ انْطِلَاقَهُ وَ اعْتِلَاقَهُ. فَالْشِّتْمُ وَ التَّقْبِيحُ مِنَ مَصَادِقِ

هذا المفهوم» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۵/۵).

گمان باطل نیز از دیگر موانع رسیدن به کمال اخلاقی انسان معرفی شده است که به صورت سوء ظن و شک و تردید جلوه می‌کند و باعث سردرگمی و حیرت انسان و غفلت از خدا می‌شود: «الشك لغة: خلاف اليقين، و هو التردد بين شيئين سواء استوى طرفاه أو رجح أحدهما على الآخر. و اصطلاحاً: هو التردد بين شيئين على حدّ سواء، وإن رجح أحدهما فالراجح ظنّ و المرجوح وهم» (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۳/۳۰۹).

امام سجاد علیه السلام گمان و ظن را از القائنات شیطان و یکی از مهم‌ترین موانع تکامل اخلاقی معرفی کرده‌اند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّظَنِّيِّ وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذِيبًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ». در این بند دعای مکارم الاخلاق، راه نجات از شک و گمان، ذکر عظمت خدا، تفکر در قدرت او و تدبیر و چاره‌اندیشی بر دشمن خدا معرفی شده است. راهکارهای بیان‌شده، باعث افزایش علم و معرفت در افراد می‌شود و به فرد برای رسیدن به یقین کمک می‌کند. در شرح ریاض السالکین بر صحیفه سجّادیه، واژه «تَظَنِّي» این گونه معنا شده است: «إعمال الظنّ، و أصله التظننّ أبداً من إحدى النونات ياء، و منه قولهم: ليس الأمر بالتظنّي و لا بالتتمني» (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ۳/۳۶۸). بنابراین با شک و گمان، کارها و امور انسان پیش نمی‌رود. امام سجاد علیه السلام از خداوند عزمی قاطع برای انجام کار صواب را طلب می‌کند؛ عزمی که در آن شک و تردیدی روا نباشد: «وَ نَبِيَّةٌ رُشِدٌ لَا أَشْكُ فِيهَا».

نتیجه‌گیری

مطالعه دقیق و نظام‌مند متون حدیثی بر جای مانده از ائمه اطهار علیهم السلام بیانگر آن است که این متون را از جنبه‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی می‌توان بررسی کرد و الگوهای متعددی از آنها استخراج کرد. مطالعه نظام‌مند دعای مکارم الاخلاق منقول از امام سجاد علیه السلام، با روش تحلیل محتوای مضمونی که از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای، عینی، استنباطی، معتبر و تکرارپذیر است، نشان می‌دهد که این دعا، بیش از آن‌که جنبه مناجات و درخواست داشته باشد، جنبه آموزشی و تعلیمی دارد و تلاش می‌کند موضوعات

مهم مبتلابه جامعه انسانی را در این دعا مطرح کند.

نتایج حاصل از تقطیع ۲۲ فراز دعای مکارم الاخلاق در جداول تحلیل محتوا بیانگر آن است که مهم‌ترین موضوع آموزشی طرح شده در این دعا، مسأله راهکارهای نیل به تکامل اخلاقی است؛ البته امام سجاده علیه السلام بر دو مقوله، مقدم بر تکامل اخلاقی تأکید فرموده است:

۱- ورود و هدایت به مسیر حق و توحید؛

۲- تأکید بر تمسک به عبادت و اطاعت الهی.

اما در جهت رشد و کمال اخلاقی، الزامات و موانعی مطرح شده است:

الف) پیمودن گام‌های اصلاح اخلاقی با تأکید بر نیکی به دیگران و نرم‌خویی که از جمله الزامات اخلاقی انسان است؛

ب) پرهیز از بدرفتاری و دشمنی و ظلم که مهم‌ترین مانع تکامل تربیت اخلاقی انسان معرفی شده‌اند؛

ج) پرهیز از آفات زبانی، از جمله سخن لغو و گمان باطل و سوءظن که مبتلابه‌ترین موانع تکامل اخلاقی انسان معرفی شده‌اند.

امام سجاده علیه السلام در این دعا تلاش کرده‌اند تا هر دو مرحله بایدها و نبایدهای نیل به الگوی تربیت اخلاقی انسان را بیان کنند و هر کدام را به تفصیل و با ذکر جزئیات دقیق و فراوان، توضیح دهند. به عبارت دیگر، می‌توان آنچه در این دعا مدنظر امام سجاده علیه السلام و الگویی برای نیل به تربیت اخلاقی انسان است، چنین به تصویر کشید:

امام سجاده علیه السلام تلاش دارند در دعای مکارم الاخلاق، انسانی را تربیت کنند که ورود به مسیر حق و حقیقت، و نیز تمسک به عبادت و اطاعت الهی را سرلوحه خود قرار دهد و با نیکی به دیگران و نرم‌خویی و مهربانی، مقدمات اصلاح تربیت اخلاقی جامعه اسلامی را فراهم آورد. همچنین در مرحله دوم با پرهیز از ظلم و دشمنی به دیگران، از مهم‌ترین مانع نیل به تربیت اخلاقی دور شود و نیز از آفات زبانی به عنوان عمومی‌ترین و مبتلابه‌ترین موانع تکامل اخلاقی انسان‌ها در جامعه اسلامی پرهیزد. قطعاً چنین انسانی می‌تواند مراتب قرب الهی و تکامل را به نحو عالی طی کند و به عنوان اشرف مخلوقات معرفی شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. صحیفه سجادیه (۱۳۷۵)، ترجمه آیتی، سروش، تهران.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم.
۴. آقابزرگ طهرانی (بی تا)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، اسماعیلیان، قم.
۵. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. تمیمی آمدی (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الاسلامیة، قم.
۷. جانی پور، محمد؛ و رضا شکرانی (۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش «تحلیل محتوا» در فهم احادیث»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، ش ۲، پاییز و زمستان.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، بیروت.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۱. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
۱۳. فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۰)، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۱۴. کریپندورف، کلوس (۱۳۸۷)، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، نشر روش، تهران.
۱۵. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹)، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران.
۱۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۸. معروف حسنی، هاشم (۱۳۸۲)، زندگانی دوازده امام علیهم السلام، ترجمه محمد مقدس، امیر کبیر، تهران.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۲۰. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۱. نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۶)، جامع السعادات، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبی، انتشارات حکمت، تهران.
۲۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، مکتبة الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۲۳. هولستی، آل آر (۱۳۹۱)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، دانشگاه علامه طباطبایی.